**بسم الله الرحمن الرحیم [[1]](#footnote-1)**

مرحوم امام در مبحث تبیین خطابات قانونیه سه نکته را مورد اشاره قرار می‌دهند.

**نکتۀ اول:** می‌فرمایند بر خلاف خطاب شخصی که مخاطب شخص است در خطاب قانونی مخاطب آن عنوان کلی است، «یا ایها الناس» عنوان کلی انسان، «یا ایها الذین امنوا» عنوان کلی مؤمن، در مجالس تقنینی، مقنن له کسی که برای او قانون گذاشته می‌شود مردم آن کشور هستند به عنوان کلی، مردم ایران، مردم انگلستان، لذا چون خطاب به عنوان کلی است، خطاب قانونی منحل نمی‌شود به تعداد افراد، که لکل فرد خطاب خاص باشد، بلکه متعلق آن تکلیف همان عنوان است و لا غیر.

**نکتۀ دوم:** ابتلاء و عدم ابتلاء هم نسبت به کل فرد فرد لحاظ نمی‌شود بلکه ابتلاء و عدم ابتلاء نسبت به عنوان ملاحظه می‌شود. به این معنا که اگر متعلق تکلیف مورد ابتلاء اکثریت افراد و اکثریت مصادیق این عنوان کلی باشد، 70 یا 80 درصد مردمی درگیر باشند، خطاب قانونگذار به آن جامعه صحیح است، هر چند تک تک افراد مورد ابتلاء آنها نباشد.

بنابراین در خطابات شخصی ملاک ابتلاء کل فرد است ولی در خطابات قانونیه ملاک ابتلاء اکثریت مصادیق آن عنوان می‌باشد لذا اگر اکثریت مبتلا باشند خطاب به کل عنوان صحیح است.

**نکتۀ سوم:** درست است خطاب منحل نمی‌شود به کل فرد فرد، ولی هر کسی که مصداق آن عنوان باشد، خطاب برای او حجت است، و لازم الاجرا، انحلال تکلیف نسبت به کل فرد نیست ولی چون مصداق آن عنوان است، حجیت آن حکم برای کل فرد تا روز قیامت خواهد بود.

مرحوم امام می‌فرمایند با این بیان ما در رابطه با خطابات قانونیه آن اشکالاتی که ما به مبنای محقق خراسانی و شیخ انصاری داشتیم، همۀ آن اشکالات رفع می‌شود به خاطر اینکه در خطابات شخصی استهجان خطاب یا ابتلاء و عدم ابتلاء با اشخاص محاسبه می‌شد چون مخاطب شخص بود ولی در خطابات قانونیه چون مخاطب عنوان کلی است ابتلاء و استهجان هم نسبت به عنوان سنجیده می‌شود، همین قدر اکثر مصادیق قدرت داشته باشند، درگیر با خطاب باشند، خطاب عنوان استهجان ندارد لذا می‌فرمایند ببینید آن اشکالات چهارگانه چگونه دفع می‌شود.

**اشکال اول:** این بود که با اینکه کفار به هیچ وجه خودشان را مبتلا نمی‌دانند و درگیر تکلیف، چگونه می‌شود مکلف به فروع باشند؟ **مرحوم امام** می‌فرمایند چه کسی گفته شخص کافر مخاطب به خطاب است؟ شخص خطاب ندارد، مخاطب به خطاب عنوان کلی «یا ایها الناس» است این سخص کافر چون مصداق «یا ایها الناس» است تکلیف بر او حجت است اما تکلیف منحل نمی‌شود به تک‌تک افراد تا ابتلاء و درگیری او با این تکلیف شما بحث کنید هست یا نیست مخاطب به تکلیف عنوان کلی است «یا ایها الناس».

**اشکال دوم:** اشکال در احکام وضعی بود که اشکال این بود که حکم وضعی مثل حکم تکلیفی منحل می‌شود به تعداد افراد، «الخمر نجس» یعنی برای زید موجود در ایران خمر موجود در اروپا نجس است و حال اینکه درگیر با آن نیست **مرحوم امام** می‌فرمایند این اشکال هم مرتفع شد در خطابات قانونیه اشخاص مخاطب نیستند تا ابتلاء و عدم ابتلاء آنها را حساب کنیم، عنوان مخاطب به خطاب است اکثریت مردم که مبتلابه‌شان باشد تکلیف مستهجن نیست هر چند مبتلاء‌به بعضی نباشد، پس در احکام وضعی هم اشکال برطرف شد.

**اشکال سوم:** در اخبار بود **مرحوم امام** فرمودند اگر انشاء به تعداد افراد منحل شود، اخبار هم فرق ندارد منحل می‌شود پس لازم می‌آید کذب واحد میلیونها کذب شود در حالی که وجدانا اینگونه نیست، **مرحوم امام** می‌فرمایند چنانچه توضیح دادیم در انشائات متعلق عنوان کلی بود، منحل نمی‌شد به تعداد افراد، پس خطاب واحد بود، در اخبارها هم همین است «کل نار بارد»، متعلق اخبار عنوان کلی است لذا منحل نمی‌شود به تعداد افراد تا کذبهای متعدد باشد کذب واحد بیشتر نیست.

**اشکال چهارم:** هم این بود که اگر تکلیف منحل می‌شود به تعداد افراد اصحاب مروت خود به خود تارک بعضی از گناهان هستند پس نهی آنها لغو است. **مرحوم امام** جواب می‌دهند می‌فرمایند تکلیف منحل به تعداد افراد نیست که شما بگویید این فرد درگیر نیست پس تکلیف او قبیح است، متعلق نهی عنوان کلی است همین قدر مقدار معتنابهی از مردم انگیزه برای این متعلق و فعل آن داشته باشند نهی به عنوان صحیح است.

**نتیجه:** در خطابات قانونی مخاطب، عنوان کلی است، به تعداد افراد منحل نمی‌شود محذورات چهارگانه هم دفع شد، این خلاصۀ مبحث خطابات قانونیه که **مرحوم امام** آن را مطرح می‌کنند.

**نقد استاد بر مبنای خطابات قانونیه مرحوم امام**

عرض ما این است که التزام به این مبنا هر چند برخی از اشکالات مبنای شیخ انصاری و محقق خراسانی را دفع می‌کند ولی محذورات دیگری تولید می‌کند که التزام به این مبنا هم مثل نظریۀ محقق خوئی قابل قبول نیست.

**اشکال اول:** به نظریۀ **مرحوم امام** در خطابات قانونیه این است که **مرحوم امام** فرمودند موضوع و متعلق حکم عنوان است، خطاب هم منحل به تعداد افراد نمی‌شود. عرض ما این است که عنوان یا کلی طبیعی بما هو کلی طبیعی بدون انحلال به افراد، نه موضوع خطاب می‌تواند قرار بگیرد در خطابات قانونی و نه اغراض و آثار متعلق بر این خطاب می‌تواند از عنوان کلی و از کلی طبیعی قابل انجام و قابل تطبیق باشد. بلکه هر جا در قانونگذاری متعلق، عنوان کلی است، بما هو فانیا فی الافراد است، و عنوان بما هو منطبق علی المعنون الخارجی، موضوع حکم است و الا نه مطالبه از عنوان معنا دارد و نه اغراض و آثار و ملاکاتی که حکم به خاطر آنها جعل می‌شود نسبت به عنوان معنا پیدا می‌کند.

آیا معقول است بگوییم «الصلاۀ قربان کل تقی»، «معراج المؤمن»، «صوموا تصحوا»، این صفات تعلق می‌گیرد به عنوان بدون لحاظ معنونهای خارجی؟ عنوان نماز قربان است برای عنوان متقی بدون انحلال به افراد. روشن است که اگر حکم تعلق می‌گیرد به عنوان به لحاظ فنائش در معنونهاست و در حقیقت این معنونها هستند که متعلق حکم هستند. معنا ندارد عنوان بما هو عنوان متعلق حکم باشد و آثار و اغراض هم در عنوان متبلور باشد دون افراد معنون. ادامۀ کلام خواهد آمد.

1. - جلسه 47 – مسلسل 165– سه‌شنبه – 25/09/1399 [↑](#footnote-ref-1)